



معیارهای ماهوی و هویتی علم دینی

نوشتاری از استاد علی‌اکبر رشاد بنیان‌گذار و عضو هیئت علمی گروه منطق فهم دین پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

«معیار علم دینی»، از مباحث اساسی فلسفه «علم دینی» است. در فلسفه علم دینی، از مباحثی نظیر ماهیت، هویت، معیار، امکان تصویری (معناداری عنوان علم دینی) امکان تصدیقی، مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و دین‌شناختی علم دینی و نیز منابع (مصادر)، روش، موضوع، ساختار، قلمرو، انواع و مراتب، غایت، کارکرد، فرایند و عوامل دخیل در تکون و تکامل این علم، (نظریه تحول علم، علل و عوامل و انواع تحول واقع و متوقع در علم دینی)، تفاوت علم دینی و علم سکولار، انواع یا مراتب علم دینی، جایگاه آن در هندسه معرفت دینی و نسبت و مناسبات علم دینی با دیگر معرفت‌ها، سخن گفته می‌شود. مسئله معیار علم دینی، پیوند تعیین‌کننده‌ای با اکثر مباحث فلسفه علم دینی، به‌ویژه دو مقوله ماهیت و هویت علم دینی دارد؛ فلسفه علم دینی نیز، از شاخه‌های فلسفه معرفت دینی است؛ فلسفه معرفت دینی، عهده‌دار «مطالعه فرانکر عقلانی احکام کلی معرفت حاصل از سعی موجه برای اکتشاف داده‌های دینی» است. فلسفه علم کلام دینی، فلسفه علم اخلاق دینی، فلسفه علم احکام دینی (فقه)، از دیگر شاخه‌های فلسفه معرفت دینی است؛ همان‌گونه که فلسفه معرفت دینی، غیر از فلسفه دینی معرفت است، فلسفه علم دینی نیز، غیر از فلسفه دینی علم است. فلسفه معرفت دینی و نیز فلسفه علم دینی، از زمره فلسفه‌های مضاف به علوم‌اند.

• **معیار علم دینی**

مراد از معیار علم دینی، شاخصی است که «علم دینی» را از علم «غیردینی» (سکولار) متمایز می‌سازد؛ شاخص‌های گونه‌گونی، به‌مثابه معیار دینی بودن علم قابل فرض است که در زیر به‌اختصار بدان‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) دینی بودن مبانی و زیرساخت‌های نظری قضایای دانش. مبانی نیز دست کم به دولایه قابل طبقه‌بندی‌اند: مبانی قریبه، (پیش‌انگاره‌ها)، مبانی بعیده (فراپیش‌انگاره‌ها).

پیش‌انگاره‌ها آن دسته از مبانی‌اند که قضایای علم دینی بلاواسطه مبتنی برآنهایند. فراپیش‌انگاره‌ها، آن دسته از مبانی‌اند که قضایای علمی، با واسطه بر آنها مبتنی‌اند.

ب) دینی بودن اجزای قضایای علم؛ محمول موضوع و یا هر دو.

قضایای دینی، به‌اعتبار اخباری یا انشایی بودن آنها، به دو گروه حکمی (گزاره‌ها) و حکمی (آموزه‌ها) تقسیم می‌شوند.

قضایای اخباری به گروه‌های گونه‌گونی تقسیم می‌شوند؛ از جمله به‌لحاظ ماهوی به:

۱. گزاره‌های هستانی (وجودشناختی) که عهده‌دار گزارش از « هست بود » یا « نیست بود» موضوع خویش‌اند.

۲. گزاره های چیستانی (تحدیدی) که عهده‌دار گزارش از «چه بود» و ماهیت موضوع خویش‌اند.

۳. گزاره‌های چسانی (توصیفی) که عهده‌دار گزارش از چسان بود افعال (حسن و قبح)، اشیاء (طیب و خبیث) اعمال (صالح و سئئ) هستند.

۴. گزاره‌های زیرایی (تعلیلی) که عهده‌دار گزارش از « چرا بود » موضوع خویش‌اند.

مجموعه گزاره‌های اخباری به‌لحاظ ارزشی نیز، به دو دسته کلان تقسیم می‌شوند:

۱. گزاره‌هایی که بالاضاله متعلق ایمانند. این گروه همان قضایای عقیدتی‌اند.

۲. گزاره‌هایی که بالاضاله متعلق ایمان نیستند.

این گروه نیز همان گزاره‌های علمی‌اند.

قضایای حکمی (انشایی) نیز، به اعتبارات گوناگون، به گروه‌های مختلف، قابل تقسیم‌اند؛

کلی‌ترین و جامع‌ترین تقسیمات، تقسیم آموزه‌ها، به اعتبار سرشت احکام است. براساس این معیار، مجموعه قضایای حکمی به دو گروه بایانی (تکلیفی / احکام) و شایانی (تهدیبی / اخلاق) تقسیم می‌شوند.

هریک از دو گروه قضایای حکمی(بایانی و شایانی)، به اعتبارات مختلف، به گروه‌های خردتر تقسیم می‌گردند، از جمله:

الف) به اعتبار ماهوی (برخورداری و عدم برخورداری قضا یا کارکرد قدسی، به: (تعبدی، تقربی و توصلی)؛

ب) به اعتبار نوع حجت (نوع دال یا قیاس مورد تمسک در مقام اکتشاف حکم؛ از حیث کاشفیت، یا عدم کاشفیت، کاشفیت تامه یا ناقصه داشتن؛ از نظر درون‌خیز یا برون‌خیز بودن دلیل؛ از جهت استقلال و بساطت یا غیرمستقل و مرکب بودن قیاس (مستقلات عقلیه و غیرمستقلات عقلیه)؛

ج) به اعتبار نوع موضوع حکم؛

د) به اعتبار نوع محمول حکم؛

هـ.) به اعتبار نوع علت حکم؛

و) به اعتبار نوع غایت و دواعی فاعل (مکلف)؛

ز) به اعتبار نوع آثار فعل و عمل؛

ح) به اعتبار نوع متعلق فعل و عمل (قلمرو فعل وعمل) یا...؛

ج) دینی بودن کاربرد علم.

کاربرد علم را به مجموعه عوائد و فوائد یک دانش اطلاق می‌کنیم. کاربرد علم به دو لایه «غایت» و «فائدت» قابل سطح‌بندی است؛ غایت علم داعی یا دواعی است که تأسیس و تدوین یک علم، دائرمدار آن است. نسبت دانش با غایت، نسبت انگیزه و انگیزخته است. مراد از فائدت دانش، کارکرد یا کارکردهایی است که با وجود یک دانش فراچنگ می‌آیند؛ هرچند چندان ارزشمند یا بایسته



نبوده باشند که به انگیزه دستیابی بدان‌ها، آن دانش تأسیس شده باشد.

می‌توان گفت: غایت، مقصود بالاضاله و فائدت، محصول بالتبع است.

دینی بودن هریک از غایت و فائدت، به‌اعتبار میزان ارزش دینی آن، به‌مراتب مختلف، رده‌بندی می‌شود.

تقسیم علم در روایات، به علم‌الآدیان و علم‌الابدان، تنها به‌لحاظ موضوع علوم نیست؛ بلکه علم‌الآدیان آن علم یا علمی است که به امر دین می‌پردازد و غایت و فائدت آن، به روح آدمی و استصلاح و استکمال نفس بازگشت می‌کند و علم‌الابدان به دانش یا دانش‌هایی اطلاق شده‌اند که به امر بدن و آنچه به آن مرتبط است، می‌پردازد و طبعاً به استصلاح و استکمال جسم و وجه مادی هستی آدمی اهتمام می‌ورزد. مراد از علم‌الآدیان، دین‌شناسی بالمعنی‌الخاص نیست؛ چنانکه مراد از علم‌الابدان نیز، فقط طب نیست؛ نه علوم به این دو علم محدودند و نه آنچه مورد نیاز دین و بدن است، به کلام و طب منحصر است؛ هر آن دانشی که غایت و فائدت دینی دارد، در زمره علم‌الآدیان است و هر آنچه مال و معاد آن، بدن آدمی است، در زمره علم‌الابدان به‌شمار است.

• **علم نافع**

در ادبیات دینی، از « علم نافع»، سخن رفته است. قطعاً نفع در هریک از دو حوزه یادشده (علم‌الآدیان و علم‌الابدان) باید به‌حسب خود معنی شود؛ یعنی نفع در آنچه که در خدمت روح است، معنای خاصی دارد و در علومی که در خدمت بدن است نیز، معنای مناسب این حوزه را دارد؛ طبعاً علوم ناظر به نفس و روح آنگاه نافع‌اند که به کمال نفس منتهی شوند. الهیات به‌معنای عام آن و فلسفه و شاخه‌های آن که به فلسفه‌های مضاف تعبیر می‌شود، از جمله فلسفه علم دینی به بحث ما نیز در چارچوب آن قرار می‌گیرد، کلاً از این دست است. برای اینکه به‌تعبیر فلاسفه، فلسفه، کمال ثانی برای نفس است؛ نفس آدمی، خود یک کمال است و وقتی نفس با فلسفه آشنا می‌شود، کمال‌ثانی به دست می‌آید. بنابراین فلسفه کمال برای نفس است و در نتیجه نافع بودن آن، در خدمت کمال نفس بودن است و اگریک بحث فلسفی منتهی به کمال نفس آدمی نشاند، علم غیرنافع خواهد بود. اما نفع در علم‌الابدان همیشه یا لزوماً به این معنا نیست که موجب کمال بدن بشود و الاً فقط علوم تغذیه و علوم ورزشی مصداق علم‌الابدان نافع می‌بود. علمی را که صرفاً برای راحت و رفاه جسمانی آدمی ـ و نه کمال بدن او ـ نافع باشد نیز، علم نافع قلمداد می‌کنیم؛ لهذا « نافع بودن» معنای عامی دارد که تعیین شاخص و مصداق آن به حسب موارد متفاوت است. نه‌تنها در اقسام کلی بلکه در شاخه‌های این دو دسته از علوم هم ممکن است، نفع، معانی متفاوت پیداکند. در نتیجه نفع در هر رشته، شاخه و دانشی، معنای متناسب آن را می‌یابد. در برخی از روایات آمده:

اَلْکَمالُ کُلُّ الکمال فی التَّقَفُّ فی الدِّین؛ کمال، همه کمال در تفقه در دین است و اگر سایر علوم نیز، به‌نحوی صفت دینی بیابند، مشمول این ارزش خواهند شد؛ زیرا تفقه در علم دینی تفقه در دین خواهد بود.

د) دینی بودن عوامل تکون علم، می‌تواند معیار دیگر علم دینی قلمداد شود؛ عوامل تکون را به عناصر انسانی، اجتماعی و طبیعی دخیل در پدیدآیی و پدیدآوری دانش‌ها اطلاق می‌کنیم. علوم تحت تأثیر عوامل بی‌شمار شناخته و ناشناخته شکل می‌گیرد. این عوامل به گونه‌ها و گروه‌های مختلف دسته‌بندی می‌شود؛ مؤسسان و مدونان و ظروف تمدنی، تاریخی و شرایط فرهنگی و اجتماعی ظهور دانش‌ها، در زمره عوامل تکون علوم جای می‌گیرند.

آنگاه که پی‌گذار و پدیدآورنده یک دانش مسلمین باشند، به این اعتبار می‌توان بدان دانش اسلامی اطلاق کرد؛ چنانکه همه علوم و معارف پدیدآمده در بستر تمدن اسلامی را در زمره علوم اسلامی قلمداد می‌کنند؛ انتساب علم‌ها و فلسفه‌ها به مقاطع تاریخی، مناطق جغرافیایی، اشخاص و حتی گاهی ادیان و مسالک، بدین جهت است؛ چنانکه مثلاً فلسفه‌ها را به باستانی و میانه، مدرن و معاصر، شرقی و غربی، بودایی، یهودی، مسیحی، اسلامی و فلسفه اسلامی را نیز به سینیوی، سهروردی، صدرایی و غیره تقسیم می‌کنند.

خلاصه اینکه: دینی‌انگاری علم، می‌تواند به اعتبارهای گوناگونی توجیه و تجویز گردد:

- برساخستگی آن بر فراپیش‌انگاره‌های دینی؛
- برساخستگی آن بر پیش‌انگاره‌های دینی؛
- برساخستگی علم از قضایایی که تنها محمول و حکم آنها، یا تنها موضوع و متعلق آنها، یا هر دو جزء آنها، (محمول و موضوع) دینی باشند؛
- برساخستگی دانش، بر زیرساخت های نظری دینی، توأم با برساخستگی قضایای دانش از اجزاء دینی؛
- اکتشاف مبانی، بناها، یا هر دو از مصادر معتبر؛ (دینی بودن می‌تواند به ملاک‌های زیر نیز باشد)؛
- تحصیل فقط مبانی علم به‌مدد منطق موجه دینی سپس ابتناء قضایا بر آن مبانی؛
- تحصیل برخی یا همه اجزای قضایا، یا تحصیل هم مبانی هم بناها، یا کار بست روش‌شناسی مقبول و معتبر دینی.

اگر ملاک‌های برخورداری دانش از « غایت» و « فائدت» دینی و نیز عوامل انسانی و تمدنی دخیل و ذی‌نقش در پیدایی علم‌ها بر معیارهای پیش‌گفته افزوده شود، معاییر طولی علم دینی، ازده شاخص نیز فراتر می‌رود. از مقارنه و درهم‌کرد گوناگون هریک از شاخص‌ها با دیگری و تجميع ملاک‌ها با همدیگر، وضعیت‌های متعددی پدید می‌آید که شرح آن حاجت‌مند مجال کافی است.

فروض (۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷) را می‌توان معاییر «درونی» و «ماهوی» قلمداد کرد؛ شاخص‌های دیگر را معاییر برونی و «هویتی» نامید.

• **وجه و مراتب صدق عنوان علم دینی**

معرفت دستگاه‌وار جامع‌المعاییر (درونی و برونی)، مصداق تام و جامع علم دینی است؛ کما اینکه معرفت حاوی همه معاییر ماهوی نیز، می‌تواند مصداق حقیقی علم دینی قلمداد گردد. اطلاق عنوان علم دینی به معرفت دستگاه‌واری که مبانی یا بناهای آن با هر دو، حاصل کاربست منطق موجه دینی است، در رتبه بعدی صدق عنوان قرار داد؛ چنانکه علم دینی خواندن معرفت، برآمده از مصادر معتبر‌نیز به نوبه خود، از صحت و صواب برخوردار است؛ سایر وضعیت‌های متصور، به‌نحو نسبی و به‌ترتیب، مراتب نازل‌تر صدق عنوان را احراز می‌دارند. بدین‌سان می‌توان اطلاق عنوان علم دینی را، به‌اعتبار انواع معیارها، ذومراتب (با توجه به مراتب معاییر درونی و ذووصوه (با عنایت به تنوع معیارهای بیرونی) انگاشت.

آیت‌الله فاضل لنکرانی

کشف ضوابط جدید در فقه بسیار مهم است که باید با جدیت دنبال شود

ما تصمیم داریم که در این مجموعه، اساتید فقه پزشکی تربیت شوند تا جامعه از آنها استفاده کنند؛ چراکه استاد خوب و کارکرده در این عرصه‌ها کم است؛ لذا شما طلاب و علاقه‌مندان به تحصیل در این رشته‌ها و فقه‌های مضاف باید از الان خودتان را آماده و مجهز کنید.



به گزارش خبرگزاری حوزه، آیت‌الله فاضل لنکرانی، در مراسم افتتاحیه دروس گروه‌های فقه پزشکی مرکز فقهی ائمه اطهار ^(علیهم‌السلام) که در سالن امام خمینی ^(ره) این مرکز برگزار شد، در جمع داوطلبان و طلاب علاقه‌مند به شرکت در این رشته‌ها، در سخنانی به تبیین اهمیت و توجه به فقه‌های مضاف از جمله فقه پزشکی پرداخت و گفت: گروه‌های فقه پزشکی در این مرکز راه‌اندازی شده‌اند و امید است که با قدرت استمرار پیدا کنند و در آینده فضلاً با برنامه بهتر وارد این عرصه شوند.

وی ضمن درخواست از فضلالی مرکز فقهی ائمه اطهار ^(علیهم‌السلام) گفت: اگر در برنامه‌های این مرکز خلأهایی وجود دارد، حتماً اطلاع دهید تا این خلأها به‌خوبی برطرف شوند؛ آیات پزشکی‌ای که جمع‌آوری شده است، بسیار زمان برده و ارزشمند است؛ اما هنوز جای کار بیشتر و دقیق‌تر وجود دارد.

رئیس مرکز فقهی ائمه اطهار ^(علیهم‌السلام) ابراز داشت: ما تصمیم داریم که در این مجموعه، اساتید فقه پزشکی تربیت شوند تا جامعه از آنها استفاده کنند؛ چراکه استاد خوب و کارکرده در این عرصه‌ها کم است؛ لذا شما طلاب و علاقه‌مندان به تحصیل در این رشته‌ها و فقه‌های مضاف، باید از الان خودتان را آماده و مجهز کنید.

آیت‌الله فاضل لنکرانی تأکید کرد: ما یک علم داریم که تعریف مشخصی دارد و برای آن زیرمجموعه‌هایی تعریف می‌شود؛ مثل فقه سیاسی، فقه پزشکی و مانند آن، که گاهی به‌همان زیرمجموعه‌ها نیز علم گفته می‌شود و گاهی هم، گرایش گفته می‌شود و لذا باید ضابطه‌ای برای گرایش‌ها وضع کنیم که این قضیه موهون نشود.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در توصیه‌هایی به طلاب، گفت: کشف ضوابط جدید در فقه بسیار مهم است که باید با جدیت دنبال شود و در مجموعه‌های قوی آموزشی و پژوهشی، همانند مرکز فقهی ائمه اطهار ^(علیهم‌السلام) استاد و طلبه، باید به دنبال کشف معیارهای مطرح‌نشده در فقه باشند و این کاری دشوار و زمان‌بر است که همت بالایی می‌خواهد.

وی در پایان سخنان خود افزود: طلاب عزیز مطالعه فراوان داشته باشند. روی مقالات نوشته‌شده بسیار کار کنند. هدف این مجموعه از راه‌اندازی فقه پزشکی این است که شما طلاب عزیز، بر همه ابعاد فقه پزشکی تسلط داشته باشید و از روی اجتهاد، روی این مسائل فقهی پزشکی نظر دهید و مورد استفاده جامعه باشید.

• **پرداختن به فقه‌های مضاف یک ضرورت پراسیب است**

آیت‌الله علیدوست هم در افتتاحیه این مراسم، به تبیین اهمیت فقه‌های مضاف و لزوم آسیب‌شناسی آنها پرداخت و گفت: دنیای امروز در خلق پدیده‌ها و قرارداده‌ها به‌سرعت پیش می‌رود و با خودشان نیز صد‌ها سؤال فقهی می‌آورند؛ لذا با توجه به گستردگی علوم، سه‌گزاره پیش‌روی ما مطرح است؛ اول مطالعات عمومی و کلی، دوم تخصص و صاحب‌نظر بودن و سوم تمحض و تمرکز. عضو جامعه مدرسین گفت: ما فکر می‌کنیم که تخصص ایستگاه آخر است؛ اما اینگونه نیست. اگر یک زمانی به یک شخصی گفته می‌شد که او جامع معقول و منقول است؛ اما الان دیگر نمی‌شود چنین حرفی گفت. امروزه باید به سمت فقه‌های مضاف رفت.

این استاد حوزه در تبیین آسیب‌های پرداختن به فقه‌های مضاف، خاطرنشان ساخت: پرداختن به فقه‌های مضاف، یک ضرورت پراسیب است که اگر این آسیب‌ها شناسایی و برطرف نشود، ما در فقه‌های مضاف، به یک اضافات صنعتی و بی‌بنیان می‌رسیم.



جستجو کرد و از آن‌ها درس‌های لازم را آموخت.

• **دینی مفید است که با بشر آینده از در تعامل وارد شود**

مدیر مسئول هفته‌نامه افق حوزه با اشاره به تجارب گذشته بشری، خاطرنشان کرد: اگر در آینده، فضای مجازی پیشران حیات بشری خواهد بود. گونه‌ای از دینداری می‌تواند مفید واقع گردد که از در تعامل با بشر آینده وارد شود.

مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه با تأکید بر لزوم تبیین و برنامه‌ریزی الهیاتی برای اخلاق روباتیک، عنوان داشت: اگر بتوانیم

مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه مطرح کرد

اما و اگرهای فضای مجازی؛ کدام دین در آینده بشر موفق‌تر عمل می‌کند؟

مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه گفت: باید دید نظام‌های گزینش سنتی و موجود تا چه اندازه با نظام بلاک چین متفاوت است. آیا این نظام ارزش‌گذاری رفته‌رفته تمام ابعاد زندگی ما به‌ویژه عرصه‌های دینی را در بر نخواهد گرفت؟

• **باید فضای مجازی در خدمت انسان باشد**

حجت‌الاسلام والمسلمین برته با اشاره به دیدگاه‌های مختلف دینی در مورد فضای مجازی، خاطرنشان کرد: حقیقت این است که ما صنعت را برای رفاه بیشتر به خدمت خود گرفته‌ایم؛ پس می‌توان فضای مجازی را هم در همین راستا به خدمت گرفت. برای پیش‌بینی آینده دین و دین آینده در عصر پیشرانی فضای مجازی، می‌بایست موارد مشابه را در دل تاریخ

نگارش‌های سه بُعدی روبه‌رو هستیم که یک نظام پیشینه‌ای دارد و این سلسله را به نسل بعد منتقل می‌کند؛ اما در عین این انتقال، مورد بعد به‌طور کامل همانند مورد قبل نیست. اگر در صنعت بلاک‌چین از نظام ثبت و آرشيو دیتا با موضوع وثاقت یاد می‌شود، امر ریتینگ می‌باشد.

• **بلاک‌چین، شخصیت‌سازی مجازی مطابق با شخصیت حقیقی**

حجت‌الاسلام والمسلمین برته با تأکید بر وجه دوم بلاک‌چین، عنوان داشت: نظامی که در بلاک‌چین حاکم است، بر اساس بازخوردهایی که از مخاطبان ما گرفته، شخصیت ما را ترسیم می‌نماید؛ این اعتبار یک بازخورد بین‌المللی برگرفته از میزان تأثیر افراد مختلف مخاطب ماست و روایت دقیقی را ارائه می‌دهد.

برای فضای مجازی فقه تخصصی تدوین نماییم، شاهد پویایی و حیات دین در جامعه بشری خواهیم بود.

وی با اشاره به اینکه هزینه توقف در روال سنتی، بیشتر از هزینه‌های رفتن به سمت مدیریت فضای آینده است، ادامه داد: در یک پیش‌داوری منطقی، الهیات فضای مجازی می‌گوید که باید به سمت ارائه نسخه بومی مواجهه دینی با این عرصه برویم.

• **دین بشر آینده دارای برنامه برای فضای مجازی است**

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا برته با بیان اینکه دین بشر آینده، دینی است که برای فردای فضای مجازی برنامه دارد، اظهار داشت: باید دید گنج زیست و آرامش انسان در عصر فضای مجازی، از سوی کدام دین ارائه خواهد شد. دین آینده آن دینی می‌باشد که بتواند، برای گنج آرامش و زیست انسان آینده که درگیر فضای مجازی است، برنامه دقیق‌تری ارائه دهد.